

Kaaa

1

۱۱۲

سلمان فارسی

بسم الله الرحمن الرحيم

www.ketab.ir

تقدیم به روح ملکوتی حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)

و مقام عظمای ولایت و رهبری (حفظه الله)

و تمامی رزمندگان هشت سال دفاع مقدس.

جوانان ما باید بدانند که راه حسین فهمیده را
ادامه بدهند و خود را با او پیوند دهند
و السلام
اکبر رحیمی

جوانان ما باید بدانند که راه حسین فهمیده را ادامه بدهند که خودش را با
نارنجک زیر تانک انداخت. والسلام.

اکبر رحیمی حاجی آبادی معروف به اکبر کاراته

اکبر کاراته و فسقلی‌های شکمو

داستان طنز دفاع مقدس (۴)

برای نوجوانان

محسن صالحی حاجی آبادی

مؤسسه فرهنگی مطاف عشق

(وابسته به مؤسسه روایت سیره شهدا)

سرشناسه: صالحی حاجی آبادی، محسن، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور: اکبر کاراته و فسقلی‌های شکمو / محسن صالحی حاجی آبادی؛
 تصویرگران الهه ارکیا، فرشته ارکیا.
مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی مطاف عشق، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص. مصور.
فروست: داستان طنز دفاع مقدس برای نوجوانان؛ ۴.
شابک: ۸-۲-۹۷۳۴۵-۶۰۰-۹۷۸
بهرست نویسی: فیبا.
یادداشت: چاپ قبلی: مؤسسه روایت سیره شهدا، ۱۳۹۲.
موضوع: داستانهای کوتاه فارسی - قرن ۱۴.
موضوع: Persian fiction - 20th century
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۰ - ۱۳۶۷ - داستان
موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 - Fiction
شناسه افزوده: ارکیا، الهه، ۱۳۶۸ - تصویرگر
شناسه افزوده: ارکیا، فرشته، ۱۳۶۴ - تصویرگر
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۷۵ الف ۷۷۰۷۳۲ / ۸۱۳۱ PIR
رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۰۵۲۳۶

عنوان: اکبر کاراته و فسقلی‌های شکمو
نویسنده: محسن صالحی حاجی آبادی
تصویرگران: الهه ارکیا - فرشته ارکیا
ناشر: مؤسسه فرهنگی مطاف عشق
نوبت چاپ: پنجم ۱۳۹۶
نوبت چاپ: اول ناشر
تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه
شابک: ۸-۲-۹۷۳۴۵-۶۰۰-۹۷۸

حق هر گونه چاپ و بهره برداری برای «مؤسسه فرهنگی مطاف عشق» محفوظ می باشد.

آدرس: قم، خیابان سمیه، کوچه ۳۳، پلاک ۱۳

۰۲۵- ۳۷ ۳۸ ۹۳ ۷۳ / ۰۹۱۲ ۷۵۰ ۶۴۱۱

www.mataf.ir

پست الکترونیک نویسنده: mohsen.salehi.ha@gmail.com - همراه نویسنده: ۰۹۱۲۷۵۱۳۱۲۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	مقدمه
۷	یا ابوالفضل؛ ترکیدم!
۱۳	پس کوش؟
۱۷	خیلی مواظب باشید
۲۳	پر تقال گردیده
۲۷	عجب چایی شد
۳۱	عجب شبی!
۳۷	کاشکی باز هم بیانند
۴۳	این خاکریز باید تا صبح زده شود
۴۹	عجب دعوایی شد!
۵۵	بچه‌ها را نمی‌برند
۶۳	من امشب می‌گیرمش!
۶۷	بیگی هم رفت!
۷۵	مرغ عزیزم
۷۹	شبی به یاد ماندنی
۸۳	خاموشش کنید
۸۷	عجب ماجراهایی
۹۱	فسقلی‌های بی تربیت

مقدمه

دلم تنگ شده برای بچه‌های جنگ. برای خنده‌هایشان. برای نماز شب، دعای کمیل و توسلشان. کاش یک بار دیگر می‌شد دور هم جمع می‌شدیم، تا هم‌دیگر را ببینیم. سربه‌سر هم‌دیگر بگذاریم و پتو از زیر پاهای هم بکشیم.

دلم می‌خواهد بار هم فرمانده‌ام از سنگر بیرون بیاید. نگاهمان کند. برایمان احسان کند و بگوید: آهای بچه‌ها! جغله‌ها! آماده شوید می‌خواهیم برویم خط مقدم. من و مجد مرتضی و صالح، برویم روبه‌رویش بایستیم و سربه‌سرش بگذاریم. دلم غنچ رفته برای نگاه‌هایشان؛ حماسه‌هایشان؛ اطاعت کردن از فرماندهان‌شان. بچه‌هایی بودند. همه چیزشان اسلام بود و امام خمینی رحمه‌الله. اصلاً می‌مردند برای امامشان. کاش امروز هم بودند. شهدا را می‌گویم.

اگر امروز هم بودند، می‌مردند برای ولی امرمان؛ برای آقا و سرورشان، حضرت امام خامنه‌ای عزیز که هزاران بار جانم به فدایش باد. کاش بچه‌های دیروز جنگ، امروز هم بودند. هستند؛ حالا هم هستند آری شما را می‌گویم؛ شما نوجوانانی که دلتان می‌تپد برای اسلام و سرور و معین همیشه اسلامی‌مان. شما هستید که باید از خون شهدا و ارزش‌های اسلامی، برای همیشه، مثل شهدا و رزمندگان دیروز، پاسداری کنید. آفریتان باد.

محسن صالحی حاجی آبادی